

## شبهه‌ها و فتنه‌ها در حکومت امام علی(ع)

حمیدرضا سعیدی

### چکیده

«شبهه» را از آن رو که زمینه‌ی ایجاد فتنه را فراهم سازد و به قصد فتنه‌انگیزی و گمراه‌سازی ساخته شده است، شبهه گویند.<sup>۱</sup> «فتنه» گرفتاری و عذاب دنیوی است<sup>۲</sup> و همچنان که در آیه‌ی شریفه ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾<sup>۳</sup> آمده است، آتش برخی فتنه‌ها دامان همگان را خواهد گرفت.

«شبهه‌ها و فتنه‌ها در زمان حکومت امام علی(ع) آینده‌ی تمام‌نمای چالش‌های حکومت دینی نخستین امام و جانشین رسول مکرم اسلام(ص) است که در این مقاله بدان پرداخته شده و توجه به آنها می‌تواند چراغ راه ما در تحقق حکومت دینی و جمهوری اسلامی باشد؛ هم‌چنان‌که آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی از رسالت‌های خطیر همه‌ی دوستان انقلاب اسلامی است.

در این مقاله نخست به بررسی نظری شبهه‌ها و فتنه‌ها در لغت، قرآن کریم و روایات معصومین(ع) می‌پردازیم؛ آن‌گاه این مقوله را در سیره‌ی عملی امام علی(ع) مورد بحث قرار خواهیم داد.

---

۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۱۲، حدیث ۹۱۰۲.

۲. در این حدیث این معنا بیشتر مورد نظر است.

۳. انفال/۲۵. ترجمه: «از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد — و همه را فرا می‌گیرد — بترسید و

بدانید که خدا سخت کیفر است.»

امامت از نظر شیعه جانشینی پیامبر و کامل کننده رسالت اوست و بدین سبب امام باید از جانب خداوند متعال برای این هدف والا برگزیده شود و به زیور علم و عصمت نیز آراسته باشد و امام، جز در دریافت وحی، همان شأن و نقش پیامبر را داراست.

امیر مؤمنان علی(ع) شخصیتی است که به شهادت تاریخ، آشناترین فرد به اهداف بلند قرآن کریم است و معارف اعتقادی و عملی اسلام را به نیکوترین وجه از رسول مکرم اسلام(ص) دریافت کرده و علم و عمل او ترجمان حدیث شریف «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا» است.

علی(ع) در اوان خلافت ظاهری نیک می دانست که در آن اوضاع آشفته و شرایط نامناسب باید رسالت پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص) را وجهی همت خویش قرار دهد. از این رو، با آگاهی از دشواری کار، پس از اقبال گسترده‌ی مسلمانان برای بیعت با وی فرمود: «مرا رها کنید و بروید دنبال کس دیگر، زیرا ما جریانی را در پیش داریم که این جریان مشتبه است، رنگ‌های مختلف و چهره‌های گوناگون دارد. ما آینده‌ای روشن در پیش نداریم. آینده‌ای داریم با چند چهره و چند رنگ مختلف، زیرا افق‌ها را مه گرفته و شاهراه به صورت کوره‌راه درآمده و ناشناخته است»<sup>۱</sup>.

این بدان دلیل بود که جامعه‌ی اسلامی به امتیاز دادن به افراد منتفذ عادت کرده بود. اصول اساسی که رسول مکرم اسلام(ص) برای تحقق و تثبیت آنها برانگیخته شده بود به فراموشی سپرده شده و هجوم فرهنگی جامعه‌ی جاهلی برای تغییر ارزش‌های اسلامی به ضد ارزش‌ها کارگر افتاده بود و به بیان امیرمؤمنان علی(ع) جامعه و ارزش‌های آن می‌بایست کاملاً دگرگون می‌گردید: «آگاه باشید، تیره‌روزی‌ها درست همانند زمان بعثت پیغمبر(ص) بار دیگر به شما روی آورده است [همان اختلاف و پراکندگی و دشمنی‌ها که پیش از اسلام در میان شما رواج داشت، امروز از سر گرفته شده است].

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۲.

سوگند به کسی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، به سختی مورد آزمایش قرار می‌گیرید و غربال می‌شوید و همانند محتویات دیگ هنگام جوشش، زیرو رو خواهید شد؛ آنچنان که بالا پایین و پایین بالا قرار خواهد گرفت. آنان که به راستی در اسلام سبقت داشتند و کنار رفته بودند، بار دیگر سر کار خواهند بود و کسانی که با حيله و تزوير خود را پيش انداخته بودند، عقب زده خواهند شد.<sup>۱</sup>»

در جریان بیعت مردم با علی (ع)، ایشان در نخستین سخنان خود و به عنوان شرط پذیرش خلافت فرمود: «آگاه باشید اگر دعوت شما را اجابت کنم، طبق آنچه خود می‌دانم با شما رفتار می‌کنم نه به روش خلفای پیشین، و به سخن این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرانخواهم داد.»<sup>۲</sup>

او خلافت دنیا را با همه‌ی زینت‌هایش بی‌ارزش‌تر از آب بینی يك بز می‌داند<sup>۳</sup> و حکومت را زمانی که بتواند حقی را بر پا دارد یا باطلی را دفع نماید می‌پذیرد، و گرنه کفش کهنه‌ی بی‌ارزشی را محبوب‌تر از امارت و ریاست بر جامعه می‌داند.<sup>۴</sup> او معتقد است که عدالت گشایش می‌آورد و اگر کسی عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم و ستم بر او گران‌تر خواهد بود. لذا مسلم است آنچه را بیهوده از بیت المال مسلمین - در زمان خلافت عثمان - به این و آن بخشیده شده بود، به صاحبش برگرداند، گر چه زنانی را با آن کابین بسته و یا کنیزی با آن خریده باشند.<sup>۵</sup> بدین‌سان حکومت و برنامه‌ی دادخواهانه‌ی علی (ع) به ضرر سودجویان تمام شد و برخی از آنان و بیش از همه عایشه، طلحه، زبیر و معاویه، خون عثمان را دستاویز کردند و سر به شورش برداشتند و تخم نفاق و فتنه کاشتند و چنان‌که رسول مکرم اسلام (ص) فرموده بود، جنگ‌های جمل، صفین و نهروان را پیش آوردند.

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۲.

۲. همان، خطبه‌ی ۳.

۳. همان، خطبه‌ی ۳.

۴. همان، خطبه‌ی ۳۳.

۵. همان، خطبه‌ی ۱۵.

آن حضرت با ناکثین - خودی‌ها و انقلابیون آلوده به دنیا - و قاسطین - منافقان هوسران و قدرت‌طلب - و مارقین - دوستان دروغین و خشک‌مغز که مصلحت‌های پنداری خویش را بر حقیقت ترجیح داده، درک صحیحی از روح و حقیقت دین و شرایط و مقتضیات زمان نداشتند - برای حفظ حقیقت اسلام جنگید؛ شبهه‌افکنی‌ها و فتنه‌انگیزی‌های آنان را پاسخ گفت و برای تبیین حقایق و اصول دین مقدس اسلام از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

رفتار حضرت با سه گروه، ابتدا به صورت مسالمت‌آمیز بود و مقاتله با آنان آخرین راهی بود که حضرتش به ناچار برگزید.

### معانی شبهه

شبهه - بر وزن علم و فرس - به معنای مثل و نظیر است و شبهه، در لغت، به معنای مشابهت و پوشیدگی است. معانی دیگری چون اشتباه، احتمال، اشکال و شك نیز دارد و همچنین چیزی که حق و باطل در آن معلوم نیست.<sup>۱</sup>

شبهه آن است که دو چیز در اثر مماثلت از همدیگر تشخیص داده نشوند:

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ﴾<sup>۲</sup>.

«متشابه» در استعمال قرآن کریم که آیات را به محکمت و متشابهات تقسیم کرده، به کار رفته است و در بخشی از آیهی شریفه‌ی ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾<sup>۳</sup> مغرضان را با هدف فتنه‌جویی پیرو آیات متشابه معرفی می‌کند.

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه‌ی «شبهه»، معلوف، لویس، المنجد (ترجمه‌ی: محمد بندرریگی) ذیل ریشه‌ی «شبه».

۲. نساء/ ۱۵۷. ترجمه: «عیسی را نکشتند و به دار نزدند، لیکن کار بر آنها مشتبه شد» متشابه، و مشتبه، به ترتیب در آیات ۱۱۸ سوره‌ی بقره، ۱۴۱ انعام و ۹۹ انعام به کار رفته است.

۳. آل عمران/ ۷. ترجمه: «اما کسانی که در دل هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند.»

## شبهه از نظر امام علی (ع)

امام علی (ع) در معنای شبهه فرمود: «شبهه به این دلیل شبهه نامیده می‌شود که شبهه حق است.<sup>۱</sup>» در سخنی دیگر حضرت شبهه را زمینه‌ی ایجاد فتنه می‌داند و می‌فرماید: «از شبهه حذر کنید؛ زیرا شبهه به قصد فتنه و گمراه سازی ساخته شده است.<sup>۲</sup>»

شبهه گاهی به معنای باطل آمیخته به حق آمده است؛ هم‌چنان‌که حضرت در این جمله فرمود: «و پس از حق جز گمراهی آشکارا چیست؟ و از پس آنچه عیان است، جز باطل آمیخته به حق نیست. از شبهه بپرهیز و از آمیختگی آن به حق و باطل نیز، زیرا از دیرزمانی فتنه پرده‌های سیاه خود را گسترده و با تاریکی خود دیده‌هایی را نابینا کرده است.<sup>۳</sup>»

### وظایف مردم در مواجهه با شبهات

رسول مکرم اسلام (ص) در وجوب فرو گذاشتن شبهات چنین فرمود: «آنچه تو را به شبهه می‌اندازد فروگذار و آنچه را موجب شبهه برای تو نمی‌شود به کار بند؛ زیرا فقدان چیزی را که برای خدای عزوجل فرو گذاشته‌ای، هرگز حس نخواهی کرد.<sup>۴</sup>»

یا: «آنچه به شبهات می‌اندازد ترک کن و چیزی را به کار بند که برایت شبهه‌انگیز نیست...<sup>۵</sup>»

و در بیانی اعجازگونه با تقسیم امور عالم به سه دسته چنین فرمود: «امور سه گونه‌اند: امری که درستی آن بر تو روشن است، پس از آن پیروی کن؛

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳۸.

۲. میزان الحکمة، ج ۵، ص ۱۲، حدیث ۹۱۰۲.

۳. نهج البلاغه، ترجمه‌ی: دکتر شهیدی، نامه‌ی ۶۵.

۴. کراجکی، محمد، کنز الفوائد، ص ۳۵۱.

۵. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۶۹.

امری که ضلالت و نادرستی آن بر تو آشکار است، پس از آن دوری کن؛ و امری که در آن اختلاف است، پس آن را به خدای عزوجل ارجاع ده.<sup>۱</sup>»

در سخنان ائمه‌ی هدی(ع) درنگ در هنگام پیش آمدن شبهه ضروری شمرده شده و بر فرو رفتن در گرداب هلاکت ترجیح داده شده است.<sup>۲</sup> ایشان در جایی آن را بهتر از مواجه شدن با هول و هراس‌ها می‌دانند<sup>۳</sup> و در بیانی، درنگ کننده به گاه فتنه را پارساترین مردم می‌خوانند.<sup>۴</sup>

امیرمؤمنان علی(ع) به فرزند گرامیشان امام حسن(ع) می‌فرماید: «ای حسن! تو را سفارش می‌کنم - و همین سفارش تو را بس است - به آنچه که رسول خدا مرا بدان سفارش فرمود... خاموشی در هنگام شبهه.»<sup>۵</sup>

و امام سجاد(ع) در مقام دعا این چنین با خدا مناجات می‌کند که: «خدایا، هرگاه امور بر من مشکل و درهم شد، مرا به [یافتن] درست‌ترین آنها، هرگاه کردارها بر من مشتبه گشت، به پاکیزه‌ترین آنها، و هرگاه عقاید و مذاهب متناقض شدند، به پسندیده‌ترینشان توفیق ده.»<sup>۶</sup>

### معانی فتنه

فَتْنٌ - فِتْنَةٌ فُلَانًا: فلانی را گمراه کرد؛ او را آزمایش کرد.

«فتنه» در لغت، به معنی گمراه کردن، اختلاف کردن مردم در رأی و تدبیر و اختلاف آرا آمده است. این کلمه به معانی لازم و متعدی به کار رفته است.<sup>۷</sup>

۱. شیخ صدوق، *أمالی*، ص ۲۵۱.

۲. دیلمی، حسن، *أعلام الدین*، ص ۳۰۱.

۳. حرانی، *تحف العقول*، صص ۸۳ و ۶۹.

۴. *بهار الأنوار*، ج ۷۸، ص ۱۹۲.

۵. شیخ طوسی، *أمالی*، صص ۷ و ۸.

۶. *صحیفه سجادیه*، ترجمه‌ی فیض الاسلام، دعای ۲۰.

۷. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، ذیل کلمه‌ی «فتنه» و ذیل ریشه‌ی «ف، ت، ن».

همچنین، فتنه، به معنای امتحان است و اصل آن گذاشتن طلا در آتش است تا خالص آن از ناخالص آشکار شود [مفردات راغب]. در مجمع‌البیان آمده است: فتنه، امتحان و اختبار نظیر هم‌اند. ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾<sup>۱</sup> در تفسیر المیزان آمده است: «فتنه آن است که به وسیله‌ی آن چیزی امتحان شود، به خود امتحان و یا به لازم امتحان، که ضلالت و شرک و سبب عذابند.» گاهی ظاهراً مراد از فتنه گرفتاری و عذاب دنیوی است؛ چنان‌که در این آیه آمده است: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾<sup>۲</sup> در این آیه، با ملاحظه‌ی آیات قبل و بعد، به نظر می‌رسد مقصود این است که: ای اهل ایمان! جامعه‌ی خویش را پاک کنید؛ امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ فرمان خدا را اجابت نمایید و گرنه گرفتاری و بلا که در اثر ستم ستمکاران روی خواهد آورد، همه را خواهد گرفت و مخصوص ظالمان نخواهد بود.

امام علی(ع) در پاسخ سؤال از معنای فتنه با استناد به آیات شریفه‌ی قرآن کریم به این معانی اشاره می‌فرماید:<sup>۳</sup>

۱. آزمایش؛<sup>۴</sup>

۲. کفر؛<sup>۵</sup>

۳. عذاب؛<sup>۶</sup>

۱. انفال/ ۲۸ ترجمه: «بدانید که اموال و اولاد شما وسیله‌ی امتحانی است که با آن امتحان می‌شوید تا بدانان از خوبتان روشن شود.»

۲. انفال/ ۲۵.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۹۳، صص ۱۷ و ۱۸.

۴. چنان‌که در این آیه‌ی شریفه آمده است: ﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ آیا مردم پنداشتند که همین‌که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ عنکبوت/ ۲ و نیز: طه/ ۴.

۵. چنان‌که در این آیه آمده است: ﴿وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ﴾؛ و فتنه بزرگ‌تر از کشتار است. بقره/ ۲۱۷ و نیز: توبه/ ۴۸، ۴۹.

۶. مثل ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لَمْ يَمُوتُوا﴾؛ کسانی که مردان و زنان مؤمن را گرفتار فتنه کردند — عذاب و شکنجه دادند — و سپس توبه نکردند. بروج/ ۱۰ و نیز: ذاریات/ ۱۳، ۱۴.

۴. عشق به مال و فرزند؛

۵. بیماری.<sup>۲</sup>

### انواع فتنه

در آیات شریفه‌ی قرآن کریم ثروت و فرزند مایه‌ی آزمایش و فتنه دانسته شده است: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۳</sup>.

در جایی دیگر، نعمت فراوان یا روزی اندک وسیله‌ی آزمایش الهی تلقی شده است.<sup>۴</sup> رسول مکرّم اسلام (ص) نیز فرمود: «برای هر امتی آزمایشی است و وسیله‌ی آزمایش امت من دارایی است»<sup>۵</sup>.

در جایی، فتنه در زمان رفاه را بیمناک‌تر از فتنه‌ی زمان سختی می‌داند<sup>۶</sup> و می‌فرماید: «راستی که من از فتنه‌ی خوشی برای شما بیمناک‌ترم تا فتنه‌ی سختی، شما به فتنه‌ی سختی درافتادید و صبر کردید، اما دنیا شیرین و فریباست»<sup>۷</sup>.

۱. ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾؛ جز این نیست که اموال و فرزندان شما فتنه‌اند. التغابن/ ۱۵ و:

انفال/ ۲۸.

۲. ﴿أَوْ لَا يَبْرُونَ أَلْهَمَ يَفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ﴾؛ آیا نمی‌دانند که آنان در هر سال يك یا دو بار به فتنه گرفتار می‌شوند — بیمار و دردمند می‌گردند — باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند. توبه/ ۱۲۶. *پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۳. انفال/ ۲۸ و نیز تغابن/ ۱۵: «بدانید که دارایی‌ها و فرزندانان [مایه‌ی] آزمایش‌اند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است».

۴. فجر/ ۱۵ و ۱۶.

۵. منذری، الترغیب و الترهیب، ج ۴، ص ۱۷۸.

۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۸۹، حدیث ۱۵۳۱۳.

۷. منذری، الترغیب و الترهیب، ج ۴، ص ۱۸۴.



امیر مؤمنان (ع) نیز در باب انواع فتنه می‌فرماید: «فتنه‌ها سه چیز است: زن دوستی که آن شمشیر شیطان است؛ و شراب‌خواری که دام شیطان، و عشق به درهم و دینار که تیر شیطان است.»<sup>۱</sup> و در جای دیگر ترسناک‌ترین فتنه‌ها را دو چیز می‌داند: «فتنه‌ی بنی امیه<sup>۲</sup> و شیفتگی به دنیا».<sup>۳</sup>

رسول مکرّم اسلام (ص) بزرگ‌ترین فتنه و کزی در دین را در این می‌داند که: «کسی خطایش بسیار باشد و عملش کاستی‌پذیر و حقیقتش اندک باشد. مردار شب باشد و بیکاره‌ی روز، تنبل و بی‌حوصله و تن‌پرور باشد.»<sup>۴</sup> در انواع فتنه‌ها حضرت علی (ع) به بازارها و محل خرید و فروش اشاره می‌کند و در نامه‌ای به حارث همدانی می‌فرماید: «از پاتوق‌های بازارها بپرهیز که آنجا جایگاه‌های حضور شیطان است.»<sup>۵</sup> پلیدی برخی از اقسام فتنه‌ها تا جایی است که حضرت در جایی دیگر فرمود: «زمامدار ستمکار و بی‌رحم بهتر از فتنه [و هرج و مرجی] است که دایمی باشد.»<sup>۶</sup>

### خاستگاه فتنه‌ها

در روایتی حضرت علی (ع) خاستگاه فتنه را چنین می‌داند: «جز این نیست که خاستگاه فتنه‌ها پیروی از هواهای نفس و احکامی است که بدعت گذاشته می‌شوند و با حکم خدا مخالفند و گروهی در این هوس‌ها و بدعت‌ها از گروهی دیگر پیروی می‌کنند.»

۱. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۴۰. و در ادامه نیز فرمود: «کسی که عشق به زنان داشته باشد از زندگی‌ش بهر مند نشود؛ و کسی که مشروبات را دوست داشته باشد بهشت بر او حرام گردد؛ و کسی که عشق به درهم و دینار داشته باشد بنده‌ی دنیا است.»

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۳.

۳. آمدی، غرر الحکم، حدیث ۱۲۱۰.

۴. میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۹۴، حدیث ۱۵۳۳۸.

۵. نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۹.

۶. آمدی، غرر الحکم، حدیث ۱۰۱۰۹.

در جای دیگر، تفرقه و پراکندگی را عامل فتنه می‌شمارد: «همانا شیطان راه‌های خود را برای شما آسان و هموار می‌گرداند و می‌خواهد پیمان دین شما را یکی یکی بگشاید و به جای اتحاد و هماهنگی، تفرقه و پراکندگی، و به وسیله‌ی تفرقه فتنه برقرار سازد.»<sup>۱</sup>

ایشان در سخنانی دیگر، غرور<sup>۲</sup> و مدح و ستایش مردم را<sup>۳</sup> عامل فتنه و گمراهی تلقی می‌کند. همچنین حضرت آلودگی به گناه را خاستگاه فتنه می‌شمارد. علایم مذکور در این گفتار از نشانه‌های آخرالزمان نیز دانسته شده است و بعید نیست که با شرایط امروزی جهان قابل تطبیق باشد:

«روزگاری بر مردم آید که در میان آنان از قرآن جز ظاهری و از اسلام جز نامی باقی نماند. در آن زمان، مسجدها از نظر ساختمان آبادند و از هدایت ویران و تهی، ساکنان و آبادکنندگان این مساجد بدترین افراد روی زمین‌اند. از آنان فتنه زاید و گناه در وجود آنان مأوا گزینند. هر کس که از گناه کناره گیرد، او را به سوی آن می‌کشانند و هر کس که از آن واپس ماند، او را به سوی آن می‌رانند.»<sup>۴</sup>

هنگام هجوم فتنه‌ها...

«هرگاه فتنه به شما رو آورد، خود را در آن می‌فکنید و از سر راه آن کنار روید و وسط راه را برایش خالی کنید.»

به بیان زیبای حضرت امیرمؤمنان علی(ع)، نباید به سودجویان اجازه دهیم تا از ما سوء استفاده کنند: «به گاه فتنه همچون شتر نر دو ساله باش که نه پشت و نیرویی دارد که بر او سوار شوند و نه پستانی که از آن شیر بدوشند.»<sup>۵</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۱.

۲. همان، حکمت ۳۲۲.

۳. همان، حکمت ۴۶۲.

۴. همان، حکمت ۳۶۹.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۱.

### شبهه‌ها و فتنه‌ها در دوران زندگی امام علی (علیه‌السلام)

ارزش‌های اسلامی پس از رحلت رسول اکرم (ص) تغییر یافت و تجدید فرهنگ جاهلی توسط منافقان و فرصت‌طلبان بستری مناسب را برای فتنه‌انگیزی در امت محمدی (ص) به وجود آورد. آنچه در سقیفه و با دستپاچگی<sup>۱</sup> برای غصب حکومت صورت پذیرفت و حقیقتی که به شهادت فریقین در موقعیت‌های مختلف به وسیله‌ی رسول (ص) مکرر مورد تأیید قرار گرفته بود<sup>۲</sup>، با انگیزه‌های قدرت‌طلبانه به فراموشی سپرده شد. قریش نسبت به علی (ع) نظر بسیار بدبینانه‌ای داشتند و او را قاتل عزیزان خود می‌دانستند. این خون‌ها اگرچه در کنار محمد (ص) و با انگیزه‌ی دینی ریخته شده بود، اما در هر حال از شمشیر علی (ع) چکیده بود. از این رو، آنان از هیچ کوششی برای حذف و به فراموشی سپردن شخصیت بی‌بدیل علی (علیه‌السلام) دریغ نوزیدند و در بیست و پنج سالی که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) به خاطر مصلحت اسلام سکوت کرد، کینه‌های دیرین خویش را نسبت به شخص آن حضرت اعمال کردند.

شبهه‌افکنی‌ها و فتنه‌ها در زمان حیات امام علی (ع) را در يك تقسیم می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

۱- کینه‌ها و فتنه‌ها در زمان خلفا نسبت به شخص علی (ع)

۲- شبهه‌ها و فتنه‌ها در زمان حکومت آن حضرت.

### کینه‌ها و فتنه‌ها در زمان خلفا نسبت به شخص علی (علیه‌السلام)

شیوه‌ی خلفا در برخورد با علی (ع) از همان روزهای اول در جهت تضعیف موقعیتی بود که امیرالمؤمنین در دوران رسول الله (ص) داشت، لذا عمر گفت:

۱. خلیفه‌ی دوم، خود، از این ماجرا با تعبیر «فتنه - امر ناگهانی» یاد می‌کند.

۲. رک: شأن نزول و بیان آیات ولایت، مباحله، تبلیغ و تطهیر در اکثر تفاسیر قرآن کریم و نیز

کتاب شریف‌التغییر، المراجعات و ...

«جلوگیری مردم از خلافت علی(ع) جز به قصد کوچک کردن او نبوده است.»<sup>۱</sup> یا هنگامی که خلیفه‌ی دوم در امر خلافت پس از خود تصمیم‌گیری می‌کرد، شش نفر را که برگزید، به هر کدام نسبتی داد و با ذکر این نسبت‌ها قصد داشت لیاقت آنها را برای خلافت در وهله‌ی اول کوچک جلوه دهد. در این میان، به علی(ع) چنین نسبت داد که: «فیه دُعَابَةٌ»؛ او فردی شوخ طبع است.<sup>۲</sup> ابن ابی الحدید در بیان موقعیت علی(ع) نزد طلحه و زبیر می‌گوید:

«زیرا دو نفر اول، علی را پایین آورده و عظمت او را از بین برده، حرمت او را شکستند، به طوری که میان مردم فراموش شد. بعدها اکثر کسانی که خصایص او را در زمان پیامبر(ص) می‌شناختند، مردند و کسانی آمدند که او را جز به عنوان یکی از مسلمین عادی نمی‌شناختند. نهایت چیزی که از افتخارات او وجود داشت این بود که او پسر عموی رسول الله(ص)، شوهر دختر او و پدر نواده‌ی اوست. غیر از اینها، همه چیز فراموش شد و از سوی قریش کینه‌ای علیه او صورت گرفت که نسبت به هیچ کس وجود نداشت.»<sup>۳</sup>

در همین حال، ملاحظه می‌کنیم که موقعیت علی(ع) را به جایی رساندند که عثمان به او می‌گوید: «ای علی! تو از مروان بن حکم نزد من بهتر نیستی.»<sup>۴</sup> و خود حضرت می‌فرماید: «من بعد از رحلت پیامبر(ص) همیشه مظلوم بوده‌ام.»<sup>۵</sup> و نیز امام باقر(ع) در باره‌ی موقعیت حضرت پس از رحلت پیامبر فرمود: «بین تمام هواداران امام در عراق کمتر از ۵۰ نفر معرفت حقیقی نسبت به حضرت داشتند.»<sup>۶</sup>

۱. تقفی کوفی، ابواسحاق، الفارات، ج ۲، ص ۵۶۹.

۲. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۴۱۸.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، صص ۲۸ و ۲۹.

۴. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی ایران، ج ۲، ص ۴۲۱.

۵. شیخ مفید، الجمل، ص ۹۲.

۶. شیخ طوسی، رجال کشی، ج ۱، ص ۲۵۴.

جان سوزتر از همه آن که وقتی ابن ابی الحدید از استاد خود می پرسد که چگونه علی (ع) در مدت ۲۵ سال توانسته است جان سالم به در ببرد، استاد می گوید:

«اگر نبود که او بینی خود را بر خاک مالید و صورت خود را بر خاک نهاد، کشته می گردید. او خود را از حضور [در عرصه اجتماع و سیاست] بازداشت و مشغول عبادت شد و در قرآن نظر می کرد. او از موضع اول خود [در حیات پیامبر] دست برداشت و شمشیر را به فراموشی سپرد... او خود را سیاح در زمین و راهب در کوهها نشان داد و حتی خلفا را اطاعت می کرد... آنها نیز او را رها کرده، در باره ی او سکوت کردند... و انگیزه های نداشتند تا او را بکشند و اگر غیر از این بود کشته می شد.»<sup>۱</sup>

### سیمای تغییر ارزش های الهی در سخنان علی (علیه السلام)

امیر مؤمنان علی (ع) وضعیت حاکم بر جامعه را پس از ۲۵ سال شدیداً نیازمند اصلاح می داند و باید آنان که بر اساس ارزش های جاهلی حاکمیت و ولایت یافته اند کنار گذاشته شوند و افرادی با معیارهای الهی برگزیده شوند، لذا در روز دوم خلافت خویش در سخنانی چنین فرمود: «بدانید - که روزگار دگر باره شما را در بوته ی آزمایش ریخت، مانند روزی که خدا پیامبر شما را برانگیخت. به خدایی که او را به راستی مبعوث فرمود، به هم خواهید درآمیخت، و چون دانه که در غربال ریزند یا غذای داخل دیگ هنگام جوشش، زیرو رو خواهید شد؛ آنچنان که افراد بالا پایین و پایین بالا قرار خواهند گرفت. آنان که در اسلام به راستی سبقت داشتند ولی کنار زده شده بودند، سر کار خواهند آمد، و کسانی که با ترفند و نیرنگ خود را به پیش انداخته بودند، عقب زده می شوند...»<sup>۲</sup>

و نیز در جایی در ترسیم شرایط حاکم چنین فرمود:

«جهانی تیره است - و بلا بر همگان چیره - بلایی که پیران در آن فرسوده شوند و خردسالان پیر، و دیندار تا دیدار پروردگار در چنگال رنج اسیر.»<sup>۳</sup>

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۳۰۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶.

۳. همان، خطبه ی ۳.

و نیز فرمود: «مردم! ما در روزگاری به سر می‌بریم ستیزنده و ستمکار و زمانه‌ای سپاس‌نثار که نیکوکار در آن بدکردار به شمار آید و جفاپیشه در آن سرکشی افزایش، از آنچه دانستیم سود نمی‌بریم و آنچه را نمی‌دانیم نمی‌پرسیم و از بلایی تا بر سرمان نیامده، نمی‌ترسیم.»<sup>۱</sup>

آن حضرت حاکمیت احکام جاهلیت و گرایش به بدویت را و اینکه از اسلام جز نامی باقی نمانده است به صراحت این‌چنین بیان می‌نمایند: «زنهار! که اینک دست از رشته‌ی اطاعت کشیده‌اید و با احکام جاهلیت بر دژ الهی که فراگردتان کشیده شده است شکاف وارد آورده‌اید، در حالی که خداوند سبحان، جماعت متحد این امت را با این رشته‌ی همبستگی پیوندشان داد تا در سایه‌اش آرام گیرند و در پناهش بیاسایند. نعمتی که هیچ آفریده‌ای بهایش را در نمی‌یابد، که از هر بهایی برتر و از هر منزلتی گرانقدرتر است. و بدانید که شما پس از هجرت - و ادب آموختن از شریعت - به خوی بادیه نشینی بازگشتید و پس از پیوند دوستی دسته دسته شدید. با اسلام جز به نام آن بستگی ندارید و از ایمان جز نشان آن را نمی‌شناسید.»<sup>۲</sup>

تکیه بر ناهلان و انزوای صالحان که پیش‌تر نیز بدان اشارت رفت، در سخن حضرت این‌گونه آمده است: «و چون خدا فرستاده‌ی خویش را نزد خویش برد، گروهی به قهقرا برگشتند و با پیمودن راه‌های گوناگون به گمراهی رسیدند و به دوستانی که خود برگزیدند پیوستند و از خویشاوند گسستند. از وسیلتی که به دوستی آن مأمور بودند جدا افتادند و بنیان را بن برافکندند و در جای دیگر بنا نهادند. [اینان] معادن هرگونه گناهند و هر فتنه‌جو را درگاه و پناه»<sup>۳</sup>

«و دست ستیزه گشادند و به خدا در دلم نمی‌گذشت و به خاطر نمی‌رسید که عرب خلافت را پس از پیامبر(ص) از خاندان او برآرد، یا مرا پس از وی از عهده‌دار شدن آن باز دارد.»<sup>۴</sup>

۱. همان، خطبه‌ی ۳۲.

۲. همان، خطبه‌ی ۱۹۲.

۳. همان، خطبه‌ی ۱۵۰.

۴. همان، نامه‌ی ۶۲.

اگر خوب بنگریم، دشمنان انقلاب اسلامی نیز برای تغییر ارزش‌های دینی و ملی از هیچ کوششی فروگذار نکردند. تهاجم فرهنگی و استحاله‌ی نظام ارزشی جمهوری اسلامی با ایجاد جنگ روانی از طریق رسانه‌های بیگانه و تضعیف و نفوذ در ارکان حکومت اسلامی و فروپاشی ایران به سبک شوروی سابق، از برنامه‌های استکبار جهانی است که بر محورهای زیر مبتنی است:

- ۱- مخدوش کردن ارزش‌های اعتقادی و انقلابی و ایجاد بحران هویت در نسل جوان.
- ۲- ایجاد و تشدید تضادّ میان دین، آزادی و دموکراسی و معرفی روحانیت به عنوان دشمنان آزادی و دموکراسی.
- ۳- تقویت سکولاریسم و تلاش جهت سازمان‌دهی نوعی نهضت اصلاح‌طلبی بر مبنای مادی‌گرایی و انسان‌محوری.
- ۴- ایجاد اختلاف و از بین بردن وحدت ملی با دسته‌بندی‌های سیاسی چپ و راست و...
- ۵- تضعیف و نفوذ در نهادهای امنیتی، قضایی، اجرایی و قانونگذاری در همه‌ی سطوح<sup>۱</sup>.

### شبهه‌ها و فتنه‌ها در زمان حکومت حضرت علی (علیه‌السلام)

از جمله فتنه‌هایی که از پیش در برابر خلافت حضرت علی (ع) برنامه‌ریزی شده بود، طراحی و تهی‌داتی بود که طلحه، زبیر و سعد بن ابی وقاص - که داعیه‌ی خلافت داشتند - برای جانشینی عثمان انجام داده بودند<sup>۲</sup>.  
عدم آمادگی کلی جامعه نیز از عللی است که باید مورد توجه قرار داد؛ یعنی - چنان که گذشت - جامعه‌ای که به مرور زمان ارزش‌هایش تغییر یافته

۱. حسن واعظی، ایران و آمریکا، بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، سروش، تهران، ۱۳۷۹،

صص ۱۷۲ - ۱۸۱ و ۲۴۰ - ۲۴۱ و ۳۴۲ - ۳۴۳.

۲. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۴۴۰.

و به جامعه‌ی جاهلی نزدیک شده بود و معیارهای ارزشی حاکم بر مردم بیشتر در جهت کسب مال و غنایم و زمین و ... و اشرافی‌گری جاهلی بود، حاکمیت فضایل و ارزش‌های راستین و عدالت علوی را برنمی‌تافت؛ چنان‌که خود آن حضرت فرمود: «اگر بخواهد جامعه را به گونه‌ای تربیت کند که در زمان رسول الله (ص) بود، تنها خواهد ماند»<sup>۱</sup> و در پاسخ کسانی که برای دعوت او به پذیرش خلافت آمده بودند، فرمود: «از من دست بردارید و دیگری جز مرا بطلبید، که روی به کاری داریم که چهره‌ها و رنگ‌های گوناگون دارد؛ نه دل‌ها را در برابر آن طاقت شکیبایی است و نه عقل‌ها را تاب تحمل»<sup>۲</sup>

هنگامی که امیرالمؤمنین بر سر کار آمد، این انحرافات و مشکلات در حد گسترده‌ای به عنوان مانع و مشکل اساسی بر سر راه او قرار گرفت و او را که قصد احیای دوران پیامبر (ص) داشت، با زحمات فراوانی روبه رو کرد تا جایی که پس از چهار سال و اندی، در محراب شهادت رساند. ما ضمن بررسی این مشکلات، موضع آن حضرت را در مبارزه با آنها بیان خواهیم کرد.

### ۱- مشکلات موجود در راه تحقق عدالت اقتصادی

یکی از مشکلات اساسی امام که تقریباً یکی از نتایج آن جنگ جمل بود، چیزی است که با عنوان فوق می‌توان آن را نشان داد. از زمانی که مهاجرین بر انصار برتری یافتند و اموال بیت المال بر اساس اهمیت خانواده‌های عرب تقسیم گردید و صحابه‌ای که زودتر ایمان آورده بودند، سهم بیشتری دریافت کردند - در حالی که به هیچ وجه مشروعیت نداشت - این مشکل آغاز شد.

امام که معتقد بود این گونه برخوردها تبعیض و خلاف قرآن است، بنای مخالفت با آنها را گذاشت. در این راه برای او مشکلاتی پدید آوردند و علی‌رغم توصیه‌ی گروهی از اصحاب علی (ع) بر ملاحظه‌ی «اشراف» عرب در برابر

۱. الکافی، ج ۸، ص ۵۸.

۲. نهج البلاغه، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، خطبه‌ی ۹۲.



عجم و موالی و... حضرت آن را نپذیرفت.<sup>۱</sup> این مشکلات به قدری گسترده بود که امام مجبور شد تا در این باره با اصحاب رسول خدا(ص) سخن بگوید؛ اصحابی که می‌پنداشتند چون زودتر از دیگران ایمان آورده‌اند، باید سهم بیشتری دریافت کنند.

امام خطاب به آنان فرمود: «ای گروه مهاجر و انصار! آیا با اسلام خود بر خدا و رسول منت می‌گذارید؟» و با استدلال بر قرآن می‌فرماید: «مشی او چنین است که کسی را جز به تقوا بر دیگران برتری نخواهد داد.»<sup>۲</sup> در پاسخ به طلحه و زبیر که از او می‌خواهند وی نیز همچون عمر بعضی را بر بعضی برتری دهد، فریاد می‌زند: «أَفَسِنَّ رَسُولِ اللَّهِ أُولَى بِالِاتِّبَاعِ أَمْ سِنَّةَ عُمَرَ؟» آنان وقتی مخالفت صریح امام را دیدند، راهی مکه شدند تا رودرروی امام بایستند؛<sup>۳</sup> و بدین صورت نطفه‌ی جنگ جمل شکل گرفت.

## ۲- مشکل تبعیض نژادی

مسایل مربوط به نژاد از وقتی در دنیای اسلام آغاز شد که در زمان خلیفه‌ی دوم، کشورهای ایران و شامات بر عرب‌ها مفتوح شد و برده‌های ایرانی و رومی به داخل حوزه‌ی اسلامی آورده شدند. قضیه‌ی تبعیض نژادی در جامعه‌ی اسلامی به عنوان يك مسأله از سنت‌های خلیفه باقی ماند که حضرت می‌بایست آن را نیز اصلاح نماید.

یعقوبی می‌گوید: علی(ع) اموال را در میان مردم به شکل مساوی تقسیم می‌کرد و به موالی (بردگان عجم آزاد شده) به همان اندازه می‌داد که به عرب‌ها. وقتی علت را پرسیدند، فرمود: در کتاب خدا فرزندان اسماعیل بر اسحاق برتری ندارند.<sup>۴</sup>

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، صص ۴۲ و ۴۳.

۲. تحف العقول، ص ۱۲۵.

۳. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، صص ۴۵۲ و ۴۵۴ و ۴۵۵.

۴. همان.

ابن دأب از ام هانی - خواهر علی(ع) - نقل می‌کند که پس از آگاهی از تساوی حقوق خود و کنیز خویش با عصبانیت نزد امام رفت و گفت که باید به او پول بیشتری بدهد، اما حضرت فرمود که در قرآن برتری عرب بر عجم را نیافته است.<sup>۱</sup> حضرت در بیانی دیگر فرمود: «حضرت آدم نه غلام به دنیا آورده و نه کنیز، بندگان خدا همه آزادند... اکنون مالی نزد من است و من بین سیاه و سفید فرقی نخواهم گذاشت و آن را به گونه‌ی مساوی تقسیم خواهم کرد.»<sup>۲</sup>

### ۳- مشکل انحراف دینی

یکی دیگر از مسائلی که مشکل بزرگی بر سر راه اصلاح جامعه‌ی اسلامی در زمان به روی کار آمدن امیرالمؤمنین(ع) به وجود آورد، این بود که بعضی از انحرافات صریح دینی به عنوان يك امر دینی در میان مردم مقبول افتاد.

نمونه‌ی این انحرافات که امام با آن درگیر می‌شود، این است که عده‌ای با وجود قرآن و سنت برای خود حق تشریح قایل بوده، در حل مسایل رأی مستقلی می‌دهند. این مسأله - حق تشریح قایل شدن - و در مرحله‌ی بعد باور و پذیرش مردم - که این کارها جنبه‌ی شرعی دارد - بسیاری از مفاسد را به دنبال داشت.

از دیگر انحرافات دینی این است که کارهای خلیفه‌ی اول و دوم برای مردم به صورت سنت شرعی و دینی درآمد و در قالب الگو و عملی صحیح برای مردم تلقی شد. عثمان صریحاً سنت را شامل عمل پیامبر(ص) و نیز اعمال ابوبکر و عمر می‌دانست<sup>۳</sup> و مردم «نماز تراویح» را که از جانب خلیفه‌ی دوم قرار داده شده است به عنوان سنت وی تلقی می‌نمایند و به عنوان يك سنت شرعی بدان عمل می‌کنند.<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۶۹.

۳. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، صص ۴۵۷ و ۴۵۸.

از جمله مطالبی که زمینه‌ی انحراف دینی را گسترش می‌داد، دروغ‌گویی در حدیث و نقل مطالب کذب از پیامبر(ص) بوده است؛ چنان‌که پیامبر(ص) در زمان خود سعی در جلوگیری از اشاعه‌ی دروغ داشتند.<sup>۱</sup>

زمینه‌ی دیگری که بستر بسیاری از انحرافات گردید، جلوگیری از نقل و روایت و کتابت حدیث بود که در زمان خلفای سه‌گانه اعمال می‌شد و چنان‌که رشید رضا گفته، این مسأله ضربه‌ی بسیار بزرگ و جبران‌ناپذیری بر فرهنگ اسلامی زده است و این نهی در کتابت به صورت يك «سنت» برای دیگران درآمده تا جایی که برخی از اصحاب بعضی از احادیث مکتوب خویش را سوزاندند یا بعضی حتی از نقل حدیث خودداری کردند، این در حالی است که از خود پیامبر(ص) روایتی نقل گردیده که حدیث را بنویسند.<sup>۲</sup>

#### ۴ مشکل فساد داخلی

چنان‌که گذشت، عمده‌ی توجه خلفا به فتوحات و گسترش حوزه‌ی خلافت و حوزه‌ی جغرافیایی اسلام معطوف بود و مسایل داخلی جامعه و اصلاح آن مورد نیسان و فراموشی قرار گرفته بود. امام علی(ع) وضع داخلی را این‌گونه ترسیم می‌نماید: «آگاه باشید که وضعیت امروز شما همانند روزی است که خداوند پیامبرش را مبعوث کرد»<sup>۳</sup>

و در کلام دیگر می‌فرماید: «آگاه باشید که شما بعد از آنی که هجرت کردید دوباره اعرابی شدید (به جاهلیت بازگشتید) و بعد از وحدت دو مرتبه متفرق شدید. شما رابطه‌تان با اسلام جز به اسم نیست و شناختان نسبت به ایمان جز به ظاهر نیست. شما بند اسلام را گسستید، حدود الهی را تعطیل کردید و احکام او را از بین بردید.»<sup>۴</sup>

۱. همان

۲. شافعی، جامع بیان العلم، دارالمعرفة، بیروت، بی تا، صص ۷۶ و ۷۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۶.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۱۹۷.

و در کلام دیگری می‌فرماید: «خداوند شما را رحمت کند و بدانید شرایط زمانی شما به گونه‌ای است که گویندگان حق، اندک هستند، زبان‌های صدق خاموشند، ملازمان حق ذلیل و خوار بوده و مردمان، همه، رو به عصیان و گناه آورده‌اند.»<sup>۱</sup> امام در ضمن تحلیل جنگ‌های داخلی خود با مفسدین می‌فرماید: «امروز وضعیت ما به گونه‌ای شده که با برادران مسلمان خود در حال جنگ هستیم، چرا که گمراهی و کجی و شبهه و تأویلات ناصحیح در اسلام وارد شده است.»<sup>۲</sup>

### مشکلات امام علی(علیه السلام) در مسیر اصلاحات و تلاش‌های حضرت در این زمینه

اگر مقایسه‌ای بین دوره‌ی بیست و پنج ساله‌ی خلافت امیرالمؤمنین صورت گیرد، به راحتی می‌توان این نکته را که تلاش امام در جهت اصلاح وضع داخلی بوده است درک کرد.

تلاش‌های امام برای اصلاح جامعه دوگونه‌اند:

الف: مواضع اصلاحی در راه تبیین حقایق الهی

از جمله کارهای امام در از بین بردن مفسد، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، نامه‌ها، و کلمات قصار گسترده‌ای است که در تشویق مردم بر تقوا و نفی دنیاطلبی ایراد شده است. با نگاهی به نهج البلاغه که تنها قسمتی از سخنان امام است، ملاحظه می‌کنیم که درصد بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌ها در تعریف دنیا و آخرت، بیان صفات متقین و منافقین و امر کردن مردم به اطاعت از قرآن و سنت است و این مقدار سخن در باب تقوا که از حد عادی بسیار فراتر است، به خوبی نقش امام را در زدودن مفسد نشان می‌دهد. امام(علیه السلام) در بیان نقش خود در اصلاح امور می‌فرماید: «آیا من به وزنه‌ی سنگین قرآن در میان شما عمل نکرده، وزنه‌ی کوچک «عترت» را در میان شما نمی‌گذارم؟ من پرچم ایمان را در میان شما استوار کرده، شما را بر حدود حلال و حرام آگاه کردم. با عدالت خویش،

۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۲۳۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۲.

لباس سلامت را بر شما پوشانده، با گفتار و کردار خود، امور خیر و معروف را در میان شما گستراندم. من به شما فضایل اخلاق را نشان دادم.»<sup>۱</sup>

همچنین امام (ع) حاضر نشد در مسأله‌ی عدالت اقتصادی سخنان بعضی مصلحت‌اندیشان را بپذیرند که می‌گفتند علی باید بیشتر مراقب اشراف باشد. او ضمن جمله‌ای فرمود: «آیا پیروزی را با ظلم به آنها که زمان امورشان به دست من افتاده است به دست آورم؟»<sup>۲</sup> هنگامی که مشاهده می‌کند عده‌ای به جهت عدم اعراب‌گذاری قرآن آن را به غلط می‌خوانند و امکان دارد این مسأله کم‌کم به تحریف قرآن منجر شود، «ابوالاسود دوئلی» را صدا زده، «علم صرف و نحو» را به او یاد می‌دهد تا قرآن محفوظ بماند. و هنگامی که ملاحظه می‌کند دیگران از نقل احادیث جلوگیری کرده و این مطلب ضربه‌ی محکمی به فرهنگ اسلامی زده و باعث فراموشی سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) می‌شود، خود، به نقل حدیث می‌پردازد و امر به نوشتن آن می‌کند، و....

حضرت امیر (ع) هر گاه احساس می‌کند حقی باطل و معروفی منکر گردیده است، در برابر آن قیام نموده، آن را بر نمی‌تابد؛ لذا هنگامی که از حسن بصری راجع به علی (ع) پرسیده می‌شود، در بیان مهم‌ترین صفت امام، ویژگی اصلاح امور را یاد می‌کند و می‌گوید: «او راه را به مردم نشان داده و دین را هنگامی که انحراف و کجی دچار آن شده بود، استوار و مستقیم کرد.»<sup>۳</sup>

بعضی از کوفیان ضمن شعری خطاب به علی (ع) چنین سرودند:

أَوْضَحْتَ مِنْ دِينِنَا مَا كَانَ مُشْتَبِهًا      جَزَاكَ رَبُّكَ عَنَّا فِيهِ إِحْسَانًا<sup>۴</sup>

آنچه که از دینمان بر ما مشتبه بود واضح کردی، خداوند جزای خیر از طرف ما به تو بدهد.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۷۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۹۲.

۳. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۴۶۶.

۴. مجاز الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۴۵.

## ب: جنگ با مفسدان

چون بررسی فتنه‌ها و جنگ‌های معروف در زمان خلافت آن حضرت - که در بیان رسول مکرم اسلام (ص) نیز بدان اشارت رفت - کمابیش بر همگان روشن است و موجب طولانی شدن مقاله خواهد شد، از ذکر این قسمت (جنگ با مفسدان) خوداری کرده، علاقه‌مندان را به کتب سیره و زندگانی آن امام همام ارجاع می‌دهیم.<sup>۱</sup>

## نتیجه‌گیری

مهم‌ترین چیزی که باید از تاریخ صدر اسلام و خصوصاً زمان خلافت امام علی (ع) و شبهه‌ها و فتنه‌های موجود در حکومت چند ساله‌ی ایشان - که بی‌شبهت با شرایط کنونی حاکم بر جامعه‌ی ما نیست - آموخت این است که «وقایع، مولود شرایط‌اند»، «در بستر مناسب است که حوادث رخ می‌نمایند و تا زمینه‌ی مساعد برای کاری فراهم نباشد، آن امر تحقق نخواهد یافت.»<sup>۲</sup>

آنچه زمینه‌ساز اغلب فتنه‌ها در جامعه است، تبدیل ارزش‌ها به ضد ارزش‌هاست. این امر به دست هر کسی که تحقق یابد حرکتی نامیمون و تلاشی شیطانی است و بر همگان لازم است از ایجاد استحاله‌ی فرهنگی احتراز و جلوگیری کنند؛

---

۱. نگ: زندگانی علی (علیه السلام) و نیز: تاریخ سیاسی از آقایان: رسول جعفریان، صادق آئینه‌وند و ... و همچنین برای آشنایی با افکار خوارج با توجه به دغدغه‌های استاد شهید مرتضی مطهری می‌توانید به جاذبه و دافعه علی (علیه السلام) مراجعه کنید.

۲. تذکر بجا و بحث ارزشمندی که رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی در چند سال اخیر عنوان نمودند و همگان را بر مؤثرترین حربه‌ی دشمنان حقیقت و راستی هشدار دادند، هجوم فرهنگی و بی‌هویت کردن و تبدیل ارزش‌های اصیل و الهی به ضد ارزش‌هاست؛ چنان‌که در بیانی دیگر همگان را به عبرت‌آموزی از عاشورا فراخواندند که: «به‌راستی چه شد که نردانه‌ی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و فرزند یگانه‌دخت گرامی او و نیز خلیفه‌ی راستین او - علی (علیه‌السلام) - که امت اسلام با اشتیاق فراوان با او بیعت کردند و... در کمتر از نیم قرن آنچنان بی‌رحمانه و ددمنشانه آماج تیغ و تیر جامعه‌ی مرتجع آن روز قرار گرفت؟!».

و چنان‌که می‌دانیم این مسأله با حاکمیت غیر دینی با همی مبانی، لوازم و خاستگاه‌هایش شکل می‌گیرد.

همچنین برای حفظ اسلام و انقلاب باید بدون هرگونه ملاحظه، سه گروهی که در بیان تابناک رسول مکرم اسلام (ص) به صورت کلی آسیب‌شناسی گردیده‌اند<sup>۱</sup> و ظاهراً جای پای آنها را در همی انقلاب‌ها، حرکت‌ها و گرایش‌های جمعی مذهبی می‌توان یافت، ردیابی کرده، سنت فکری و عملکرد آنان را تخطئه کنیم و از دستیابی آنان به اهداف ناصواب و پلیدشان بکوشیم و از مماشات و تساهل بر سر اصول و مبانی با گروه‌هایی که به هر نحوی به دنبال مطامع ناجوانمردانه‌ی خویش‌اند، حذر کنیم.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۰۱.

